

بررسی علل شکل‌گیری چرخه کودک آزاری

(با تأکید بر نظر کارشناسان)

غلامرضا محمدنسل^۱ و زهرا محمدنسل^۲

چکیده

یکی از خطرات بالقوه در مورد کودکان، کودک آزاری است. مطالعات به عمل آمده نمایانگر آن است که بخش قابل توجهی از موارد کودک آزاری، توسط کسانی اتفاق می‌افتد که سال‌ها پیش خود قربانی کودک آزاری توسط والدین یا سایر بزرگترها بوده‌اند. افزایش پدیده کودک آزاری و تکرار مداوم چرخه آن از نسلی به نسل دیگر، بررسی این پدیده را ضروری می‌نماید. این پژوهش به دنبال بررسی علل شکل‌گیری چرخه کودک آزاری با استفاده از نظریات عل می‌موجود و نظرات کارشناسان است. تحقیق حاضر از نوع «توصیفی-تحلیلی» بوده، از نظر هدف کاربردی و از حیث جمع‌آوری اطلاعات تلفیقی از کار کتابخانه‌ای و پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش میدانی پرسشنامه محقق ساخته است که پس از سنجش روایی و پایایی آن در بین جامعه نمونه آماری توزیع و جمع‌آوری گردید. جامعه آماری این تحقیق، کلیه مددکاران و کارشناسان مراکز اورژانس اجتماعی در شهر تهران می‌باشند. نمونه پژوهش نیز شامل ۵۰ نفر از جامعه آماری بوده که در چهار مرکز مرتبط با کودک آزاری تهران مشغول به کار هستند. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله بیانگر آن است که کارشناسان اورژانس اجتماعی پس از مؤثر شناختن آزاردیدگی دوران کودکی بر کودک آزاری در بزرگسالی، از بین دلایل و علل کودک آزاری مطرح شده بیشترین و مؤثرترین دلیل کودک آزاری در بزرگسالی را «شکل‌گیری شخصیت ناهنجار در کودک آزاردیده و تاثیر آن بر کودک آزاری توسط وی» و «قبول کودک آزاری به عنوان یکی از روش‌های مقبول در تربیت کودک توسط کودک آزاردیده» دانسته‌اند.

کلید واژه‌ها: کودک آزاری، آزار دیدگی در کودکی، کودک آزاری در بزرگسالی، چرخه کودک آزاری.

مقدمه

کودکان به دلیل ویژگی‌هایی که دارند، بسیار آسیب پذیراند و نیاز به حمایت و مراقبت دارند. اما گاهی بزرگسالان به دلایل مختلف آنها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. سازمان بهداشت جهانی کودک آزاری را «آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه کودک به دست والدین یا سایر افراد مسئول» می‌داند و کودک آزاری را به چهار نوع تقسیم می‌کند: کودک آزاری جسمی، کودک آزاری جنسی، کودک آزاری عاطفی و کودک آزاری ناشی از غفلت و مسامحه. پدیده

^۱. دانشجویار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) g_mnasl@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

کودک آزاری را می توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد که نگاه حقوقی و به طور اختصاصی تر «جرم شناختی» از جمله این ابعاد است.

برای بررسی این پدیده لازم است به آمار جهانی و ملی کودک آزاری اشاره ای داشته باشیم. در امریکا روزانه ۵ کودک بر اثر کودک آزاری می میرند که سه چهارم آنها کمتر از ۴ سال دارند و در هر ده ثانیه یک مورد کودک آزاری گزارش می شود. همچنین ۳۱ درصد از زنان و ۱۴ درصد از مردان زندانی در امریکا، در کودکی مورد آزار قرار گرفته اند. ۶۰ درصد از مراجعه کنندگان به مراکز ترک اعتیاد در امریکا در کودکی مورد آزار قرار گرفته اند. ۳۰ درصد از افرادی که در کودکی مورد آزار قرار گرفته اند در آینده چرخه کودک آزاری را با آزار کودکان خود ادامه می دهند (www.fourwinds10.net).

در ایران آمار رسمی در مورد چرخه کودک آزاری وجود ندارد و مشخص نیست که چند درصد از موارد کودک آزاری توسط والدین و بزرگسالانی صورت می گیرد که خود قبلا در کودکی مورد آزار قرار گرفته اند. اما به طور طبیعی انتظار می رود که نسبت مشابه با سایر کشورها در مورد کشور ما نیز وجود داشته باشد.

بیان مسئله

شکل گیری شخصیت نابهنجار در کودکان آزار دیده، انتقام، الگوسازی و تقلید، و تثبیت تفکر توجیه کننده کودک آزاری در فرد آزار دیده، از مهم ترین علل روانشناختی شکل گیری چرخه کودک آزاری باشند. همچنین یادگیری اجتماعی کودک آزاری، برخورداری از فرصت افتراقی برای موجه شمردن کودک آزاری، تقویت افتراقی آزار کودکان به عنوان یک روش تربیتی سخت گیرانه، همنشینی افتراقی و مستمر کودک با آزار دهندگان و انتقال خرده فرهنگ بزهکاری از نسلی به نسل دیگر، از مهم ترین علل روانشناختی شکل گیری چرخه کودک آزاری باشند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که از منظر کارشناسان مهم ترین علل شکل گیری چرخه کودک آزاری کدامند؟ این سؤال به دو سؤال فرعی زیر قابل تقسیم است:

۱. از نظر کارشناسان مهم ترین علل روانشناختی شکل گیری چرخه کودک آزاری کدامند؟
۲. از نظر کارشناسان مهم ترین علل جامعه شناختی شکل گیری چرخه کودک آزاری کدامند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به افزایش روزافزون این پدیده و اینکه سهم قابل توجهی از موارد کودک آزاری حاصل تکرار چرخه کودک آزاری است، ضروری است تا در مورد دلایل کودک آزاری توسط آزار دیدگان سابق بررسی و تحقیق صورت گیرد زیرا به طور طبیعی انتظار این است که کسی که خود طعم آزار شدن توسط دیگران را چشیده است باید به خوبی با زشتی این کار آشنا شود و نباید آن را در مورد دیگران تکرار کند اما واقعیت غیر از این است. با بررسی های به عمل آمده تاکنون در خصوص تبیین علل تکرار چرخه کودک آزاری مطالعه ای در کشور ما صورت نگرفته است و به همین دلیل انجام این تحقیق ضروری می نماید. بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی و ارزیابی علل شکل گیری چرخه کودک آزاری است. این هدف به دو هدف فرعی زیر قابل تقسیم است:

- بررسی و ارزیابی علل روانشناختی شکل‌گیری چرخه کودک‌آزاری؛
- بررسی و ارزیابی علل جامعه‌شناختی شکل‌گیری چرخه کودک‌آزاری.

پیشینه تحقیق

با مراجعه به کتابخانه‌ها و مراجع تحقیقاتی و آرشیو اسناد مشخص گردید که در مورد کودک‌آزاری به مفهوم عام کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی تألیف و ترجمه شده است اما در رابطه با موضوع خاص تحقیق ما یعنی کودک‌آزاری توسط قربانیان سابق و بزرگسالان فعلی و همچنین در خصوص «علت‌شناسی شکل‌گیری چرخه کودک‌آزاری» تحقیقی صورت نگرفته است. در ادامه به معرفی چند اثر در مورد کودک‌آزاری اشاره می‌شود.

آبروشن (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «کودک‌آزاری و راههای مقابله با آن» به شناسایی مفهوم کودک‌آزاری و تدابیر مقابله با آن پرداخته است. هدف پژوهش او بررسی جایگاه کودک و کودک‌آزاری در تفکر مقننین، آموزها و نحل‌های کیفری بوده است تا با بررسی آمار جنایی، تا حد امکان راهکارهای عملی و قابل دفاعی برای کاهش آمار این پدیده بدست آید روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و قسمتی از آن نیز میدانی و به صورت پرسش و پاسخ از کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت بندرعباس صورت گرفته است حجم جامعه آماری ۲۰۰ نفر و تعداد نمونه آماری ۴۰ نفر بوده است نتیجه کلی پژوهش، شناخت عوامل و ریشه‌های بروز این ناهنجاری و اعمال یک سیاست جنایی مؤثر در جهت تدوین مقررات حمایتی همسو با جهان معطر نسبت به اطفال آزرده‌یافته یا در معرض خطر بوده که با برانگیختن حس مسئولیت جمعی و تقویت عزت‌نفس عمومی، می‌توان به کاهش این آسیب دست یافت

طالبی (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان «بررسی راهکارهای پیشگیری اجتماعی از کودک‌آزاری توسط والدین و خویشاوندان» انجام داد. جامعه آماری پژوهش وی را کلیه قضات، وکلا، روانشناسان، مشاوران امور خانواده و اولیاء شهر کرج تشکیل می‌داد نمونه گیری با روش تصادفی - طبقه‌ای، جامعه آماری ۱۶۵۰ نفر، تعداد نمونه آماری ۱۰۰ نفر و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. نتایج تحقیق نشان داد در کنار برخورد کیفری با کودک‌آزاران، باید اقدامات پیشگیرانه نیز محور مطالعات و سیاست‌گذاری‌های جوامع قرار گیرد. پیشگیری اجتماعی یکی از راهبردهای مؤثر در این زمینه ارزیابی شده است. آگاهی‌بخشی و اصلاح باورهای دینی، توانمندسازی فردی و اجتماعی و تقویت ملخلات اجتماعی و فرهنگی به ترتیب سه راهکار مؤثر برای پیشگیری از جرم مورد تحقیق به‌شمار می‌رود.

نگهی مخلص‌آبادی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «کودک‌آزاری و پیشگیری از آن در سیاست جنایی ایران» به موضوع پیشگیری از کودک‌آزاری پرداخته است. محورهای این پژوهش بررسی تعاریف کودک‌آزاری، علل شیوع آن در ایران و ارائه راهکارهای پیشگیری از آن در ایران بوده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده کودک‌آزاری در ایران، تقریباً امری ناشناخته است و در صورت بررسی جامع، رقم بسیار بالایی آن کشف می‌شود. قوانین کشور برای برخورد با این پدیده و پیشگیری از آن ناکافی و ناکارآمد است. در نهایت توسل به تدابیر پیشگیرانه با رویکرد کیفری و غیر کیفری می‌تواند در جهت کاهش نرخ کودک‌آزاری مؤثر باشد که مستلزم همکاری تمامی نهادهای دولتی و غیردولتی و آحاد مردم است.

حیدری قرایی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی شیوع کودک آزاری و ارتباط آن» نشان داد آمار فیزیکی ۱۳/۲ درصد، آزار روانشناختی ۱۹/۲ درصد و غفلت ۱۰/۸ درصد شیوع دارد. به علاوه در ابعاد جسمانی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، ترس مرضی، پارانوئید، وسواس - اجبار، روان پریشی و حساسیت در روابط بین فردی بین والدین آزارگر و غیرآزارگر تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین بین طلاق، اعتیاد، خشونت خانوادگی، سطح تحصیلات پایین، بیکاری، ناپدری و نامادری، فوت والدین و کودک آزاری ارتباط معنی دار وجود داشته است.

مبانی نظری تحقیق

در این قسمت ابتدا به بررسی کودک آزاری پرداخته و سپس به تبیین نظریات مرتبط با علل شکل گیری چرخه کودک آزاری خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم و تعریف کودک آزاری

کودک آزاری^۳ طیف وسیعی از رفتارهای آسیب رسان، شامل: برآورده نکردن نیازهای اولیه کودک، غفلت از مراقبت های بهداشتی، فقدان رشد کافی، تنبیه و بدرفتاری فیزیکی، سوءاستفاده جنسی، سوءرفتار هیجانی و آزار روانی را دربر می گیرد. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری عبارت است از: «آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک، به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند» (موسوی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۴).

اما در اصطلاح متخصصین امر، هرگونه آسیب جسمی یا روانی و سوءاستفاده جنسی یا بهره کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط افراد دیگر، کودک آزاری تلقی می شود. اگرچه در این تعریف تلاش شده تا همه وجوه و ابعاد آزار کودکان توضیح داده شود، اما در هر حال بسیاری از مفاهیم مندرج در آن ممکن است در بین صاحب نظران اختلاف برانگیز باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۸).

باید در نظر داشت که کودک آزاری یک امر نسبی است، بدین معنی که با توجه به فرهنگ و باورهای هر منطقه، تلقی متفاوتی از آن می شود. چه بسا، رفتاری در یک جامعه، مصداق کودک آزاری محسوب شده و جرم به حساب آید ولی در جامعه دیگر، یک امر عادی محسوب شود. به عنوان مثال در تانزانیا وقتی پسری به سن بلوغ برسد برای این که تطهیر روح پیدا کند، رگ دستش را می زنند تا مقدار زیادی خون بیاید در حالی که این امر در جامعه ما نوعی جرم و کودک آزاری محض محسوب می شود (فهرستی، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۱۷).

۲. انواع کودک آزاری

بر مبنای رویکرد ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری تحت چهار محور زیر قابل تحقق است:

■ **کودک آزاری جسمی**^۴: آزار جسمی کودک منجر به آسیب جسمی بالفعل یا بالقوه وی می گردد. این رفتار در حیطه رابطه مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می پذیرد (بدین معنا که بیشتر توسط افرادی که اختیار و یا مسئولیت نگهداری کودک را بر عهده دارند و کودک نسبت به آنها اعتماد دارد، صورت می گیرد). این رفتار به صورت عمدی و با نیت

^۳. Child abuse

^۴. Physical abuse

ورود صدمه به کودک و یا در نتیجه اعمال تربیتی و تأدیبی والدین یا خویشاوندان که به منظور تنبیه کودک صورت می‌پذیرد، واقع می‌شود. از نظر میزان ارتکاب، آزار جسمی را می‌توان بعد از غفلت و بی‌توجهی یکی از شایع‌ترین شوهرهای آزار کودکان به شمار آورد. از میان ۳ میلیون مورد گزارش کودک‌آزاری در سال ۲۰۰۱، بیش از ۹۰۳ هزار مورد (حدود ۱۸ درصد) مربوط به آزار جسمی بوده است. ۱۳۰۰ کودک در سال ۲۰۰۱ به دلیل آزارهای جسمی جان خود را از دست داده‌اند (نقوی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸۸). برخی از مصداق آزار جسمی عبارتند از شلاق زدن، ضربه زدن، لگد زدن، سوزاندن، پرت کردن و هل دادن، خفه کردن، گاز گرفتن و امثال آن. آزار جسمی ممکن است به سلب حیات کودک و یا معلولیت و نقص عضو دائم وی منجر گردد.

■ **کودک‌آزاری عاطفی**^۵: آزار عاطفی به معنای قصور در فراهم نمودن محیط حمایتی مناسب برای رشد کودک می‌باشد. چنین محیطی شامل مجموعه تعلقات و وابستگی‌های ابتدایی می‌شود که بر مبنای آنها کودک این امکان را کسب می‌نماید تا شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی‌اش را متناسب با استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود، در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بروز دهد. رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیب‌هایی را ایجاد می‌نمایند، در زمره آزار عاطفی قرار می‌گیرند. این رفتارها باید در حوزه کنترل والدین و یا اشخاصی که مسئولیت و یا اختیار کودک را بر عهده دارند، انجام پذیرد. چنین اقداماتی شامل انکار طفل، محدودیت در حرکت، تحقیر، سرزنش، تهدید، ترساندن، استهزا کردن، یا دیگر آسیب‌های غیر جسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض‌آمیز می‌شود.

■ **کودک‌آزاری جنسی**^۶: کودک‌آزاری جنسی عبارت است از درگیر نمودن کودک در فعالیت جنسی که وی به طور کامل آن را درک نمی‌کند، ناتوان از ابراز رضایت آگاهانه است، یا کودک برای انجام آن به لحاظ رشدی آماده نیست و نمی‌تواند به آن رضایت دهد یا درگیر کردن کودک در فعالیت جنسی‌ای است که قانون‌ها و تابوهای اجتماعی را نقض می‌کند. آزار جنسی طیف گسترده‌ای از رفتارها را دربرمی‌گیرد. برخی از مصداق این عمل به شرح ذیل است: اغوا نمودن و یا اجبار کودک به وارد شدن در هرگونه رفتار جنسی غیرقانونی، استفاده و بهره‌کشی از کودک در فحشاء و دیگر رفتارهای جنسی غیرقانونی، استفاده از کودکان در تهیه مطالب هرزه‌نگاری و غیره (ایروانیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۲). هرچند به دلایل اخلاقی و حیثیتی به دست آوردن آمار قابل اتکایی در زمینه شیوع کودک‌آزاری جنسی میسر نیست، لکن برآورد سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از زنان و ۵ تا ۱۰ درصد از مردان در کودکی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. آثار مخرب و بسیار شدید این نوع از کودک‌آزاری از یک سو و از سوی دیگر امتناع کودکان آزاردیده از افشای چنین وقایعی که اقدام به موقع برای درمان و رفع مخاطرات بعدی را غیرممکن می‌کند بر عمق خطر این نوع کودک‌آزاری می‌افزاید (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). قبح اجتماعی باعث شده که رقم سیاه جرایم جنسی بالا باشد و غالب کسانی که مورد تعرض قرار می‌گیرند از افشای تجاوز ابا دارند. در مورد اطفال رقم سیاه بسیار بالاتر است. اغلب آنان چنانچه در طفولیت مورد تعرض قرار گیرند، از بیان تجاوز ابا دارند و سعی در پوشاندن آن دارند. بسیار مشاهده شده است کسانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند بعد از چندین سال آن هم

⁵. Emotional abuse

⁶. Sexual abuse

در سنین بزرگسالی و هنگامی که متجاوز به دلیل تجاوزهای متعدد دستگیر می شود، به افشای تجاوز جنسی انجام شده بر خود اقدام می کنند. بسیار اتفاق افتاده است کودکانی که در این سن مورد تجاوز قرار گرفته اند در بزرگسالی به منظور انتقام، اقدام به تجاوز به اطفال نموده اند (حبیب زاده و رویین زاده، ۱۳۸۵: ۶۸).

■ **کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی مبالاتی^۷**: بی توجهی و کوتاهی در فراهم نمودن لوازم رشد کودک در کلیه حوزه های سلامتی (بهداشت)، آموزش، رشد عاطفی، تغذیه، مسکن و شرایط زندگی امن در حیطه منابعی که در اختیار والدین قرار دارد و منجر به بروز آسیب به سلامتی یا رشد جسمی، روحی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک می گردد و همچنین قصور در نگهداری و مواظبت کامل و حمایت از کودکان در برابر آسیب ها تا جایی که امکان پذیر است، کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی مبالاتی محسوب می شود. بر خلاف سایر اشکال کودک آزاری که از لحاظ نظری، امکان ارتکاب آنها از سوی سایر اشخاص غیر از والدین نیز متصور بود این گونه از کودک آزاری صرفاً توسط والدین و سایر سرپرستان قانونی قابل ارتکاب است. چرا که قصور در نگهداری کودک و تأمین نیازهای وی تنها تحت شرایطی امکان پذیر است که اشخاص مرتکب، مسئولیت نگهداری و یا تأمین نیازهای طفل را بر عهده داشته باشند (ایروانیان، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۵).

مطابق تحقیقات انجام شده، غفلت و بی توجهی به کودکان ۵۷ درصد در بزهکاری نوجوانان، ۵۸ درصد در جرایم علیه اموال و ۴۹ درصد در جرایم خشونت بار نقش داشته است. غفلت و بی توجهی به کودکان در مقایسه با فشارهای اجتماعی و یا اقتصادی مانند فقر، تک والد بودن و یا پر جمعیت بودن خانواده تأثیر بسیار بیشتری در سوق دادن اطفال و نوجوانان به بزهکاری دارد واقع باید گفت عواملی مانند فقر، تک والد بودن و وضعیت ضعیف اقتصادی و اجتماعی به طور عمده به واسطه تشدید بروز سوء رفتار و بی توجهی نسبت به کودکان می توانند خطر گرایش به بزهکاری را افزایش دهد (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

۳. گونه شناسی کودک آزاران

آزارهای جسمی شدیدی که عواقب آن ها کودک را به درمانگاه ها یا بیمارستان ها می کشاند، و حتی آزارهای بسیار شدیدتر و کشنده ای که مرگ کودک را در پی دارند، در اکثر قریب به اتفاق موارد از سوی افراد سادیستیک و روان پریش پراکنده در جامعه و همچنین نامادری ها و ناپدری های بی رحمی که تعلق خونی و عاطفی با کودک ندارند، صورت نمی گیرد. بلکه در تاریخچه بیشتر این آزارها، رد پای یک والد یا فردی است که به کودک نزدیک بوده و انتظار مراقبت و حمایت از کودک توسط وی می رفته است.

مطالعات نشان داده اند که در اکثر موارد اقدام کنندگان به کودک آزاری (به ویژه آزارهای جسمی، عاطفی و غفلت) والدین کودک هستند و مواردی که شامل بیگانگان و غریبه ها می شود درصد کوچکی از کل موارد را دربر می گیرد. تحقیقات دیگر نیز حکایت از آن دارند که برادران و خواهران نیز از دیگر اقدام کنندگان به کودک آزاری در خانواده ها هستند. هم چنین با وجود کلیشه های اجتماعی که معمولاً کودک آزاری را با فرزندخواندگی همبسته می دانند، داده های به دست آمده از گزارش های رسمی با وجودی که خطر کودک آزاری را در فرزندخوانده ها بالا نشان داده است، اما بر این رابطه صحنه نمی گذارد.

⁷. Neglect

بررسی سدلاک^۸ و براد هرتز^۹ بر روی کودکان آزار دیده نشان داد که والدین حقیقی خیلی بیشتر از والدین جایگزین به عنوان منبع آزار معرفی شده اند. همچنین مشاهده شد که توزیع جنسی آزار کودکان بسته به نوع ارتباط فرد آزار دهنده و کودک تفاوت می یابد، کودکانی که توسط والدین حقیقی خود آزار می بینند، بیشتر توسط مادرشان مورد آزار قرار می گیرند تا پدر، اما زمانی که والدین جایگزین و غیر بیولوژیکی باشند، موضوع برعکس می شود، بدین ترتیب که ناپدری ها بیشتر از نامادری ها مرتکب کودک آزاری می شوند.

در مورد آزارهای جنسی نیز، اغلب مواقع زمانی که صحبت از سوءاستفاده جنسی از کودک به میان می آید تصویری از فرد مهاجم به عنوان یک فرد غریبه، کثیف و پست تداعی می گردد. درحالی که گزارشات تجاوز و اعمال آزار جنسی به طرق مختلف نسبت به کودکان از سوی آشنایان به ویژه افراد خانواده، ر قم قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند(مدنی، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۱).

۴. نظریات موجود در زمینه علل شکل گیری چرخه کودک آزاری

در این قسمت از مقاله ابتدا به تشریح نظریات روان شناختی مرتبط با شکل گیری چرخه کودک آزاری و سپس تبیین نظریات جامعه شناختی مرتبط با موضوع خواهیم پرداخت.

نظریات روان شناختی شکل گیری چرخه کودک آزاری

■ **نظریه شخصیت نابهنجار** : از نظر برخی از محققان، برخلاف شخصیت «بهنجار»- که شخصیتی جامعه پذیر شده و سازگاری یافته با محیط خود قلمداد می شود- شخصیت های نابهنجار، شخصیت هایی هستند که با محیط خود سازگاری ندارند؛ و سازگاری نیز نمی یابند؛ و بر این اساس زندگی اجتماعی و استمرار آن، برای آنان مشکل است . البته آنان اذعان دارند که تفاوت هنجارهای گروهی و وجود خرده فرهنگ های گاه کاملاً متفاوت و متضاد، تعیین حد فاصل مشخصی را میان شخصیت «بهنجار» و شخصیت «نابهنجار» دشوار می سازد. اما با وجود این، مدعی اند که خصوصیات در افراد نابهنجار وجود دارد که می تواند آنها را از افراد بهنجار متمایز سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۱۴). براساس این نظریه، بزه دیدگی در دوران کودکی موجب تأثیر گذاری بر شخصیت کودکان و تشکیل شخصیتی نابهنجار می شود. در واقع کودک آزار دیده به شخصی ضد اجتماعی تبدیل شده و در بزرگسالی انواع جرایم از جمله آزار دیگران (به خصوص کودکان) را به راحتی مرتکب می شود.

■ **نظریه انتقام**: مطابق این نظریه، کودک آزاری موجب می شود که کودک آزار دیده به دلیل خشمی که در درونش ایجاد شده و توانایی رهایی از آن را ندارد، در آینده با تکرار فرایندی که بر سر او آمده، به دنبال انتقام گیری و تخلیه خشم خود می باشد.

■ **نظریه الگوسازی** : کودک پس از ورود به کانون خانواده شروع به یادگیری و الگوبرداری می کند و بنابراین فرایند یادگیری کودک با مشاهده و الگوسازی آغ از شده و سپس از طریق مکانیسم های دیگری تقویت می شود. والدین و اعضای خانواده نزدیک ترین الگوهای رفتاری در دسترس کودک هستند . کودک با مشاهده رفتار والدین و قرار گرفتن در معرض دیدگاهها و نگرش های فردی و اجتماعی آنان و براساس ساختار خلقی و شخصیتی خود، آن رفتار را ادراک نموده نگرشی

⁸ . Sedlak

⁹ . Broad Herats

معین نسبت به آن پیدا کرده، برانگیخته شده و مطابق همان الگو رفتار می کند. چنانچه خانواده الگوهای رفتاری غیرانطباقی یا نامطلوب را در اختیار کودک قرار دهد، مسیر حرکت به سمت ناهنجاری و ناهمنوایی به سمت وی گشوده خواهد شد. مثال بارز الگوپذیری ناهمنوایی در خانواده مشاهده الگوی رفتاری پرخاشگری، خشونت و تهاجم در خانواده است. وجود والدین خشن و پرخاشگر موجب می شود که کودک خشونت و پرخاشگری را به عنوان یک الگوی رفتاری یاد گرفته و طرز رفتار توأم با خشونت و پرخاشگری والدین را به عنوان الگوی مطلوب حل اختلافات، اظهار تمایلات و خواسته ها سرمشق خود قرار دهد. می توان از الگوهای نادرست زیر به عنوان الگوهایی که منجر به گرایش کودک به سمت کودک آزاری در بزرگسالی می شوند، نام برد: پرخاشگری والدین نسبت به کودک، روش غلط تربیتی در والدینی که از تنبیهات بدنی برای تربیت فرزندان خود استفاده می کنند، بی توجهی به نیازهای جسمی و عاطفی کودک در خانواده ها و غیره (مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

■ **نظریه تفکر مجرمانه**: ساموئل یوکلسون^{۱۰} و ستانتون سامنوا^{۱۱}، در نظریه ای بحث برانگیز، که در واقع می توان آن را حاصل نومیادی آنان از نظریه های سنتی جرم شناختی دانست، اظهار داشته اند که شیوه تفکر کجروان - و در معنای دقیق کلمه، بزهکاران - اساساً با شیوه تفکر بزه ناکردگان متفاوت است. مدعای آن دو این است که تفکر بزهکاران، گو اینکه ممکن است اشتباه آمیز و غیرمسئولانه به نظر آید، اما در درون خویش منطقی و منسجم است؛ آنان همچنین برآنند که افرادی که پیوسته هنجارشکنی می کنند، خود و جهان پیرامون خود را به گونه ای متفاوت با دیگر انسان ها می بینند. براساس این نظریه، افراد بزهکار در دیدگاه ها و تفکرات خود دچار لغزش و ناهنجاری می باشند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۴۱۳). مصداق این نظریه در خصوص کودک آزاری این است که کودک آزاران کسانی هستند که دارای تفکرات غلطی در خصوص ماهیت کودک آزاری و نوعاً اشتباه گرفتن آن با روش های تربیتی می باشند. این افراد کودک آزاری را در شدیدترین حالات آن نوعی تربیت خشن معرفی می کنند.

جدول ۱: نظریات روانشناختی مرتبط با شکل گیری چرخه کودک آزاری

عنوان نظریه	تبیین نحوه شکل گیری چرخه کودک آزاری
شخصیت ناهنجار	بزه دیدگی در دوران کودکی موجب شکل گیری شخصیت ناهنجار در قربانی می شود. به تدریج کودک آزار دیده ضدا اجتماعی شده و در بزرگسالی انواع جرایم از جمله آزار کودکان را مرتکب می شود.
انتقام	فردی که در کودکی مورد آزار دیگران قرار گرفته در اثر عقده های اندوخته شده در کودکی، در بزرگسالی اقدام به انتقام گیری از جامعه به خصوص کودکان می نماید.
الگوسازی (تقلید)	کودکان آزار دیده به صورت ناخود آگاه بزرگترهای بد رفتار را به عنوان الگوی رفتاری خود با کوچک ترها قرار می دهند و پس از رسیدن به بزرگسالی اقدام به کودک آزاری می نمایند.
تفکر مجرمانه	آزار دیدگی در دوران کودکی موجب شکل گیری تفکرات غلط در خصوص ماهیت کودک

¹⁰ . Samuel Yochelson

¹¹ . Stanton Samenow

نظریات جامعه‌شناختی مرتبط با تبیین شکل‌گیری چرخه کودک‌آزاری

■ **نظریه یادگیری اجتماعی:** نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط تأکید دارد، و بر الگوهایی از رفتار متمرکز می‌شود که فرد آنها را برای کنار آمدن با محیط در خود پرورش می‌دهد. الگوهایی که از راه تجربه مستقیم پاسخ‌های محیط به فرد، یا مشاهده پاسخ‌های دیگران کسب می‌شود. بدین ترتیب که فرد ابتدا رفتار مواجه شده با پاسخ مطلوب یا پاداش را از رفتاری که نتایج نامطلوبی به بار آورده، جدا می‌کند؛ و آنگاه الگوی توأم با موفقیت را برگزیده و بقیه را کنار می‌گذارد (سلیمی، ۱۳۸۰: ۴۱۳). براساس این نظریه، در صورت عدم برخورد با رفتارهای آزارگران، الگوی آزارگری نزد کودک آزرده تقویت می‌شود و این تقویت امکان تکرار این روند توسط کودک آزرده در بزرگسالی را افزایش می‌دهد. بنابراین برخورد با کودک‌آزاران و مجازات آنان می‌تواند موجب تقییح این الگو نزد کودک آزرده گردد.

■ **نظریه فرصت افتراقی:** نظریه فرصت افتراقی فرض را بر این می‌گذارد که اشخاص پرورش یافته در محلات پر ازدحام و فقرزده، اهداف مرسوم را می‌پذیرند؛ و تصدیق می‌کنند؛ اهدافی که در واقع متعلق به طبقات متوسط جامعه است بر همین اساس کلوارد^{۱۲} و اولین^{۱۳} تأکید می‌کنند که شکل‌گیری بزه و کج‌روی در میان این دسته افراد، از این تمایز نشأت می‌گیرد؛ و در واقع کنشی است در برابر نوعی فشار ناشی از کشش، بین آنچه فرد می‌خواهد و آنچه امکان دسترسی بدان را دارد؛ و جرایم و کج‌روی‌های آنان نیز با تکیه بر همین مفهوم، نوعی دستیازی به شیوه‌ها و ابزارهای غیر مجاز برای دسترسی به غایب‌های مقبول و مرسوم قلمداد می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۰: ۴۴۳). براساس این نظریه، آزرده‌دگی در کودکی موجب فراهم آمدن فرصت همزیستی کودک با الگوهای آزارگری شده و تداوم آن در طول زمان موجب گیشل کودک به آزارگری می‌شود.

■ **نظریه تقویت افتراقی:** رابرت برگس^{۱۴} و رونالد اکرز^{۱۵}، به شرح و بسط الگویی نوین از نظریه همنشینی افتراقی ساترلند^{۱۶} و کرسی^{۱۷} پرداخته‌اند؛ و با الگویی تحت عنوان نظریه همنشینی و تقویت افتراقی، نوعی تلفیق را از مفاهیم الگوی یاد شده و مفهوم روانشناختی یادگیری عامل به دست داده‌اند. ادامه این راه را نیز اکرز و برخی دیگر از همکاران او پی گرفته، و این الگو را در تحقیقات بعدی خویش به آزمون کشیدند. الگویی که در آن، فرایند یادگیری، بطور عمده بر مفهوم یادگیری عامل اتکا دارد؛ و برخلاف الگوی همنشینی افتراقی- که بر یادگیری رفتار کجروانه از طریق فرآیند کنش متقابل اجتماعی، و یادگیری تعاریف موافق با رفتار کجروانه تأکید دارد- یادگیری رفتارهای کجروانه را از طریق فرآیند تقویت و مکانیسم‌های اساسی آن، یعنی تشویق و تنبیه، مورد توجه قرار می‌دهد. این الگو، پیش از هر چیز، مدعی است که شخص زمانی کجروانه رفتار کردن را برمی‌گزیند

¹² . Cloward

¹³ . Olin

¹⁴ . Robert Burgess

¹⁵ . Ronald Akers

¹⁶ . Sutherland

¹⁷ . Cressy

که برای انجام چنین رفتاری - در گذشته و در شرایط مشابه - مورد تشویق قرار گرفته، یا تنبیه نشده باشد، یا اینکه احتمال شکل‌گیری چنین واکنش‌هایی در آینده، آن را رفتاری مطلوب جلوه داده باشد

■ **نظریه همنشینی افتراقی** : در این الگو، ساترلند^{۱۸} مدعی شده است که افراد مستعد ارتکاب کجروی، در همنشینی های خویش با افراد جامعه، «تعریف‌هایی» را فرا می‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف با رفتارهای کجروانه است. به نظر او، اگر تعریف‌هایی که کنش‌های بزهکارانه را قابل قبول می‌نمایاند، با پشتوانه‌ای قوی‌تر از تعریف‌هایی مخالف با رفتار کجروانه به فرد القا شود، و فرد نیز در دفعات بیشتری با این دسته تعاریف مواجه گردد، احتمال اینکه مرتکب کجروی شود بیشتر است (سلیمی، ۱۳۸۰: ۵۱۳). تبیین این نظریه در مورد شکل گیری چرخه کودک آزاری این است که کودک آزار دیده با همنشینی مداوم با کودک آزاران که نوعاً از بستگان یا اطرافیان وی هستند، کودک آزاری را امری به هنجار تلقی و در بزرگسالی آن را تکرار می‌نماید.

■ **نظریه انتقال خرده‌فرهنگ بزهکاری** روایت‌های خرده‌فرهنگی تبیین کجروی، بر تمایز هنجارها و ارزش‌هایی تأکید دارد که گروه‌های متفاوت بدان پای بندند؛ و در این میان نیز مدعی شود که علت تحقق جرم، نوعی تعارض میان هنجارهاست؛ تعارضی که در باور این دیدگاه، هنگامی پدید می‌آید که گروه‌های متفاوت قومی یا طبقاتی، هنجارهای خرده‌فرهنگی خاصی را می‌پذیرند؛ و این هنجارها نیز اعضای آنها را در جهت نادیده گرفتن ارزش‌ها و تخطی از هنجارهای زیربنایی نظام هنجاری مسلط در جامعه، تحت فشار می‌گذارد (سلیمی، ۱۳۸۰: ۴۴۹). براساس این نظریه، کودک آزار دیده، در کودکی با خرده‌فرهنگ کودک‌آزاری آشنا می‌شود و این خرده‌فرهنگ ناهنجار بنیل به نسل از کودکان آزار دیده به یکدیگر منتقل می‌شود (چرخه کودک‌آزاری).

جدول ۲: نظریات جامعه‌شناختی مرتبط با شکل‌گیری چرخه کودک‌آزاری

عنوان نظریه	تبیین نحوه شکل‌گیری چرخه کودک‌آزاری
یادگیری اجتماعی	کودکان آزار دیده، تفکرات کجروانه را از والدین یا سایر بالغین آزارگر فرا گرفته و در بزرگسالی، خود نیز کودک آزار می‌شوند.
فرصت افتراقی	آزار دیدگی در کودکی موجب فراهم آمدن فرصت همزیستی کودک با الگوهای آزارگری شده و تداوم آن در طول زمان موجب گرایش کودک به آزارگری می‌شود.
تقویت افتراقی	کودکان با مشاهده تأیید رفتارهای کودک آزاران توسط جامعه، عمل آنان را رفتاری قابل قبول تلقی و در بزرگسالی اقدام به آن می‌کنند.
همنشینی افتراقی	کودک آزار دیده با همنشینی مداوم با کودک‌آزاران که نوعاً از بستگان یا اطرافیان وی هستند، کودک‌آزاری را امری به هنجار تلقی و در بزرگسالی آن را تکرار می‌نماید.
انتقال خرده فرهنگ بزهکاری	کودک آزار دیده، در کودکی با خرده فرهنگ کودک آزاری آشنا شده و این خرده فرهنگ نسل به نسل به آیندگان منتقل می‌شود

¹⁸ . Sutherland

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - پیمایشی بوده و محقق با مراجعه به مراکز اورژانس اجتماعی، اقدام به پخش پرسشنامه‌ها میان کارشناسان مراکز نموده است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود که پس از تهیه، دقت و قابلیت سنجش متغیرها (روایی) مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت. قابلیت اعتماد و تکرارپذیری پاسخ‌ها (پایایی) پرسشنامه نیز مورد آزمون مقدماتی واقع و بدین منظور ۱۰ نفر از مددکاران و کارشناسان نسبت به تکمیل پرسشنامه اقدام نمودند که پس از کدگذاری داده‌ها، پایایی سؤالات با استفاده از آلفای کرونباخ با ضریب $0/88$ تأیید گردید. جامعه آماری این تحقیق، کلیه مددکاران و کارشناسان مراکز اورژانس اجتماعی در شهر تهران بود. نمونه تحقیق نیز شامل ۵۰ نفر از مددکاران و کارشناسان اورژانس اجتماعی شهر تهران، که در چهار مرکز مرتبط با کودک‌آزاری مشغول به کار بودند.

یافته‌ها

بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین کارشناسان، ۳۵ نفر یعنی ۷۰ درصد را زنان و ۱۵ نفر یعنی ۳۰ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. ۱۸ درصد کارشناسان در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۶۰ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۰ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲ درصد در محدوده سنی بالای ۵۰ سال بوده‌اند. ۴ درصد کارشناسان دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۷۸ درصد لیسانس و ۱۸ درصد فوق‌لیسانس بوده‌اند. ضمناً ۶۰ درصد آنان دارای سابقه کاری ۱ تا ۱۰ سال، ۳۶ درصد ۱۱ تا ۲۰ سال و ۴ درصد ۲۱ تا ۳۰ سال بوده‌اند.

جدول ۳: مشخصات توصیفی جامعه آماری

متغیر مورد بررسی	وضعیت	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
جنسیت	زن	۳۵	۷۰	۷۰
	مرد	۱۵	۳۰	۱۰۰
بازه سنی	۲۰ تا ۳۰ سال	۹	۱۸	۱۸
	۳۱ تا ۴۰ سال	۳۰	۶۰	۷۸
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۰	۲۰	۹۸
	۵۰ سال به بالا	۱	۲	۱۰۰
میزان تحصیلات	فوق دیپلم	۲	۴	۴
	لیسانس	۳۹	۷۸	۸۲
	فوق لیسانس	۹	۱۸	۱۰۰

سابقه اشتغال	۱ تا ۱۰ سال	۳۰	۶۰	۶۰
	۱۱ تا ۲۰ سال	۱۸	۳۶	۹۶
	۲۱ تا ۳۰ سال	۲	۴	۱۰۰

بررسی گویه‌های مرتبط با علل روانشناختی چرخه کودک‌آزاری

■ **بررسی گویه اول پرسشنامه :** در بررسی جدول شماره (۴) با توجه به سطح معنی داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۵۲ درصد و با توجه به فراوانی مشاهده شده می‌توان نتیجه گرفت که اکثر کارشناسان موافق این نظر می‌باشند که آزار دیدگی در دوران کودکی موجب شکل گیری شخصیت نابهنجار در کودک شده و در بزرگسالی وی را در معرض کودک‌آزاری قرار می‌دهد.

■ **بررسی گویه دوم پرسشنامه :** با بررسی جدول شماره (۴) و با توجه به سطح معنی داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۱۲ درصد می‌توان بیان کرد که اکثر کارشناسان این نکته را تایید می‌کنند که آزار دیدگی در دوران کودکی موجب شکل گیری فشار انتقام در قربانی شده و وی پس از رسیدن به بزرگسالی اقدام به انتقام از طریق آزار کودکان می‌نماید.

■ **بررسی گویه سوم پرسشنامه :** با تحلیل جدول شماره (۴) با توجه به سطح معنی داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۱۶ درصد می‌توان بیان کرد که این فرض که کودکان آزار دیده از طریق یادگیری، کودک‌آزاری را فرا گرفته و در بزرگسالی به آن اقدام می‌کنند، مورد تأیید می‌باشد.

■ **بررسی گویه چهارم پرسشنامه :** جدول شماره (۴) با توجه به سطح معنی داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۱۶ درصد حاکی از آن است که این نظریه که کودکان آزار دیده به طور ناخودآگاه اولیاء و بزرگترهای آزارگر را الگوی رفتاری خود قرار داده و در بزرگسالی اقدام به تکرار رفتار آنان می‌کنند مورد تأیید اکثر کارشناسان می‌باشد.

جدول ۴: آزمون دوجمله‌ای بررسی نظر کارشناسان در رابطه با گویه‌های اول تا چهارم پرسشنامه

عنوان	گروه‌ها	فراوانی	نسبت مشاهده شده	نسبت مورد انتظار
گویه شماره ۱	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۱۲	۰/۲۴	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۳۸	۰/۷۶	
گویه شماره ۲	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۲۲	۰/۴۴	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۲۸	۰/۵۶	
گویه شماره ۳	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۲۱	۰/۴۲	۰/۵۰

۳	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۲۹	۰/۵۸	
گویه شماره ۴	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۲۱	۰/۴۲	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۲۹	۰/۵۸	
	کل	۵۰	۱۰۰	

بررسی گویه‌های مرتبط با علل روانشناختی چرخه کودک‌آزاری

■ **بررسی گویه پنجم پرسشنامه:** با بررسی جدول شماره (۵) با توجه به سطح معنی‌داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۲۰ درصد می‌توان بیان کرد که این نظر که آزاردیدگی در کودکی موجب فراهم آمدن فرصت همزیستی کودک با الگوهای آزارگری شده و تداوم آن در طول زمان موجب گرایش کودک به آزارگری می‌شود، مورد تأیید اکثر پاسخ‌دهندگان می‌باشد.

■ **بررسی گویه ششم پرسشنامه:** بررسی جدول شماره (۵) حکایت از آن دارد که به نظر اکثر کارشناسان تأیید رفتارهای کودک‌آزاران توسط سایرین موجب تقویت انگاره کودک در مورد بهنجار بودن کودک آزاری شده و در بزرگسالی اقدام به آزار کودک‌ان می‌نمایند.

■ **بررسی گویه هفتم پرسشنامه:** براساس یافته‌های تحقیق که در جدول شماره (۵) درج گردیده، با توجه به سطح معنی‌داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۴۸ درصد و با توجه به فراوانی مشاهده شده می‌توان نتیجه گرفت که به نظر اکثر پاسخ‌دهندگان رشد کودک در خانواده‌های مبتلا به کودک‌آزاری موجب شکل‌گیری و انتقال خرده‌فرهنگ کودک‌آزاری در وی شده و وی را در بزرگسالی در مظان آزار کودک‌ان قرار می‌دهد و بدینسان چرخه کودک‌آزاری شکل می‌گیرد.

■ **بررسی گویه هشتم پرسشنامه:** با بررسی جدول شماره (۵) و با توجه به سطح معنی‌داری آزمون باینومیل و تفاوت بین دو گروه در سطح ۱ درصد و با توجه به فراوانی مشاهده شده می‌توان نتیجه گرفت که به نظر اکثر پاسخ‌دهندگان رشد کودک در محیط‌های موافق با کودک‌آزاری موجب قبول کودک‌آزاری به عنوان یکی از روش‌های مقبول در تربیت کودک تلقی شده و در بزرگسالی موجب آزار کودک‌ان دیگر توسط وی می‌شود.

جدول ۵: آزمون دوجمله‌ای بررسی نظر کارشناسان در رابطه با گویه‌های پنجم تا هشتم پرسشنامه

عنوان	گروه‌ها	فراوانی	نسبت مشاهده شده	نسبت مورد انتظار
گویه شماره ۵	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۲۰	۰/۴۰	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۳۰	۰/۶۰	
گویه شماره ۶	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۱۹	۰/۳۸	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۳۱	۰/۶۲	

گویه شماره ۷	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۱۳	۰.۲۶	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۳۷	۰.۷۴	
گویه شماره ۸	کوچک‌تر یا مساوی ۳ (مخالف)	۱۳	۰.۲۶	۰/۵۰
	بزرگ‌تر از ۳ (موافق)	۳۷	۰.۷۴	
	کل	۵۰	۱.۰۰	

نتیجه‌گیری

به نظر کارشناسان شکل‌گیری شخصیت نابهنجار در کودک آزار دیده، شکل‌گیری حس انتقام در کودک آزار دیده، الگو شدن رفتار آزارگران برای کودک و تقلید کودک از همان رفتار در بزرگسالی و همچنین شکل‌گیری تفکر مجرمانه کودک آزاری در آزاردیدگان از مهم‌ترین علل روانشناختی شکل‌گیری چرخه کودک آزاری هستند. همچنین به نظر کارشناسان و بر اساس یافته‌های تحقیق از میان علل روانشناختی، شکل‌گیری شخصیت نابهنجار در کودک آزار دیده بیشترین تاثیر را در تکرار چرخه کودک آزاری دارد.

به نظر کارشناسان یادگیری اجتماعی کودک آزاری توسط کودکان آزار دیده، ایجاد فرصت افتراقی ناشی از همزیستی کودک با آزارگران، تقویت افتراقی آزارگری کودک از طریق سکوت جامعه در برابر آزارگران، و انتقال خرده فرهنگ کودک آزاری در میان اقشار خاصی از جامعه، از مهم‌ترین علل جامعه‌شناختی شکل‌گیری چرخه کودک آزاری هستند. بر اساس یافته‌های تحقیق از میان تبیین‌های جامعه‌شناختی مرتبط با موضوع، نظریه تقویت افتراقی کودک آزاری بیش از سه تبیین دیگر مورد حمایت پاسخ‌دهندگان بوده است.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که از نظر کارشناسان همه علل روانشناختی و جامعه‌شناختی در یک سطح از تاثیر قرار ندارند و برخی از آنها قوی‌تر از گروه دیگر عمل می‌کند. جدول شماره (۶) اولویت بندی علل شکل‌گیری چرخه کودک آزاری را نشان می‌دهد.

جدول ۶: اولویت‌بندی علل شکل‌گیری چرخه کودک آزاری از نظر کارشناسان

اولویت تاثیر	نام و عنوان گویه	میانگین وزنی
اول	گویه ۱- آزاردیدگی در دوران کودکی موجب شکل‌گیری شخصیت نابهنجار در کودک شده و در بزرگسالی وی را در معرض کودک آزاری قرار می‌دهد	۳/۹۲
دوم	گویه ۸- رشد کودک در محیط‌های موافق با کودک‌آزاری موجب قبول کودک‌آزاری به عنوان یکی از روش‌های مقبول در تربیت کودک تلقی و در بزرگسالی موجب آزار کودکان دیگر توسط او/هنج	۳/۹۲
سوم	گویه ۴- کودکان آزار دیده به طور ناخودآگاه اولیاء و بزرگ‌ترهای آزارگر را الگوی رفتاری خود قرار داده و در بزرگسالی اقدام به تکرار رفتار آنان می‌کنند	۳/۸۶

چهارم	گویه ۵- آزاردیدگی در کودکی موجب فراهم آمدن فرصت همزیستی کودک با الگوهای آزارگری شد و تداوم آن در طول زمان موجب گرایش کودک به آزارگری می‌شود	۳/۸۶
پنجم	گویه ۷- رشد کودک در خانواده‌های مبتلا به کودک‌آزاری موجب شکل‌گیری و انتقال خردفرهنگ کودک‌آزاری در وی شده و وی را در بزرگسالی در مظان آزار کودکان قرار دهد.	۳/۸۲
ششم	گویه ۶- تأیید رفتارهای کودک‌آزاران توسط سایرین موجب تقویت انگاره کودک در مورد بهنجار بودن کودک‌آزاری شده و در بزرگسالی اقدام به آزار کودکان می‌نماید	۳/۷۲
هفتم	گویه ۲- آزاردیدگی در دوران کودکی موجب شکل‌گیری فشار انتقام در قربانی شده و وی پس از رسیدن به بزرگسالی اقدام به انتقام از جامعه از طریق آزار کودکان می‌نماید	۳/۷۰
هشتم	گویه ۳- کودکان آزاردیده از طریق یادگیری، کودک‌آزاری را فرا گرفته و در بزرگسالی به آن اقدام می‌کنند	۳/۶۲

پیشنهادها

براساس یافته‌های تحقیق تصور می‌شود که انجام پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی زیر موجب کاهش شکل گیری چرخه کودک‌آزاری شوند:

- این تحقیق با جامعه آماری گسترده‌تر شامل کارشناسان و کودکان آزاردیده انجام شود.
- تحقیق جامعی در خصوص راهکارهای پیشگیری از تکرار چرخه کودک آزاری با استفاده از تکنیک‌های پیشگیری علی به عمل آید.
- انجام کار روانشناختی و روان‌درمانی بر روی کودکان آزار دیده برای جلوگیری از شکل‌گیری شخصیت نابهنجار در آنها؛
- درمان آلام روحی کودکان آزاردیده و جلوگیری از انباشت حس انتقام در آنها؛
- ارائه الگوهای صحیح رفتاری به کودکان آزاردیده در طول رشد آنان؛
- آگاه‌سازی کودکان بزه‌دیده در مورد شاخص‌های رفتار صحیح با کودکان و جلوگیری از شکل‌گیری تفکرات کودک‌آزارانه در آنان؛
- آموزش رفتارهای صحیح به کودکان آزاردیده از طریق سلب حضانت آنان از والدین آزارگر و تسلیم آنان به خانواده های متقاضی واجد صلاحیت؛
- برخورد شدید با کودک‌آزاران و اعلان آن در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی به کودکان آزاردیده؛
- کار فرهنگی مستمر بر روی کودکان آزاردیده به منظور جلوگیری از شکل گیری و انتقال خرده فرهنگ کودک آزاری در میان آنان.

منابع و مآخذ

- آبروشن، هوشنگ (۱۳۸۳). کودک آزاری و راه‌های مقابله با آن، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ایروانیان، امیر و دیگران (۱۳۸۹). کودک‌آزاری: از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی، چاپ اول. تهران: نشر خرسندی.

- حیب‌زاده، محمد جعفر و رویین‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵). درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی. فصلنامه نامه مفید، شماره ۵۵. دانشگاه مفید، قم، صص ۵۷-۷۶.
- حیدری‌قرایی، نرگس‌خاتون (۱۳۸۸). بررسی شیوع کودک‌آزاری و ارتباط آن، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه محقق‌اردبیلی (دانشگاه ادبیات و علوم انسانی).
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی، چاپ اول. قم: پژوهش‌کنده حوزه و دانشگاه.
- صارمی، شقایق (۱۳۹۱). میزان آگاهی دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه ۲ کرج از حقوق شهروندی، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- فهرستی، زهرا (۱۳۸۷). بررسی پدیده کودک‌آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری. فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، شماره ۱۵. دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، صص ۱۱۳-۱۴۰.
- طالبی، لیلیا (۱۳۹۳). بررسی راهکارهای پیشگیری اجتماعی از کودک‌آزاری توسط والدین و خویشاوندان، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات البرز.
- مدنی، سعید (۱۳۸۲). بررسی روند آزار کودکان در ایران بر اساس برخی پایه‌های علت‌شناختی آن. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، صص ۱۶۳-۱۹۰.
- مدنی، سعید (۱۳۸۳). کودک‌آزاری در ایران، چاپ اول. تهران: نشر اکنون.
- موسوی‌بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۶). کودک‌آزاری. فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳. دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران، صص ۷-۲۲.
- موسوی‌چلک، حسن و دیگران (۱۳۸۰). کودک‌آزاری، چاپ اول. تهران: انتشارات کتاب آوند دانش.
- مهدوی، محمود (۱۳۸۸). اطفال و نوجوانان در معرض خطر (مطالعه موردی بررسی عوامل خطر بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران). دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سرکار خانم دکتر شهلا معظمی.
- مهدوی، محمود (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد‌مدار)، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- نگهی‌مخلص‌آبادی، مرجان (۱۳۸۱). کودک‌آزاری و پیشگیری از آن در سیاست جنایی ایران، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- نقوی، اعظم و دیگران (۱۳۸۴). مقایسه ویژگی‌های رفتاری دانش‌آموزان آزاردیده و عادی شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۲۲. دانشکده فردوسی مشهد، مشهد، صص ۱۶۱-۱۸۰.
- نقوی، اعظم و دیگران (۱۳۸۴). بررسی پدیده کودک‌آزاری و آثار عاطفی و شخصیتی آن بر دختران نوجوان شهر اصفهان. دوفصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۷۱. دانشگاه تهران، تهران، صص ۱۸۷-۲۲۱.